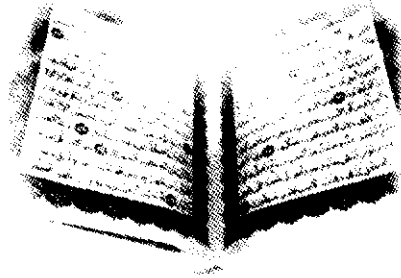


نیایش در قرآن



عبدالکریم پاک نیا



مداومت در دعا

یکی از شرائط مهم دعا که می تواند آثار سازنده و مفیدی داشته باشد، مداومت در دعاست؛ یعنی فرد نیایشگر همواره به یاد خدا باشد؛ اعم از اینکه حالات خوش و آرام بخشی داشته باشد یا در گرفتاریها و سختیها غوطه ور شود. حق باوران پیوسته دعا را نه تنها وسیله رسیدن به کمالات و خواسته های مشروع تلقی می کنند، بلکه آن را نوعی هدف می دانند؛ زیرا دعا نوعی عبادت است؛ آن هم عبادت کبری و خداوند متعال هم هدف از خلقت انسان را رسیدن به مقام

عبودیت اعلام کرده و فرموده است: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالنَّاسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱ «و جن و انس را نیافریدم، جز برای آنکه مرا عبادت کنند.»

رسول گرامی اسلام ﷺ دعا را خالص ترین و برگزیده ترین عبادت مطرح کرده، می فرماید: «الدُّعَاءُ مُغْزُ الْعِبَادَةِ؛^۲ دعا مغز [و خالص] عبادت است.» و امام باقر علیه السلام فرمود: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَاءُ؛^۳ برترین عبادت دعاست.»

۱. الذاریات / ۵۶.

۲. ارشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق؛ ج ۱، ص ۱۴۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۰.

بنابراین، برای رسیدن به مقامات عالیه کمال و قرب درگاه الهی، باید همواره انسان دعا و نیایش به درگاه الهی داشته باشد و از این عبادت سازنده، هرگز غفلت نورزد.

حافظا در کنج خلوت در دل شبهای تار

تا بود وردت دعا و ذکر قرآن غم مخور
خداوند متعال بارها در قرآن از عدم تداوم دعای مردم سخن گفته است؛ چنانکه می فرماید: «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَى بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ»^۱ «و هرگاه به انسان نعمت دهیم، از ما روی بر می گرداند و با حال تکبر و غرور از حق دور می شود و هرگاه اندکی ناراحتی و گرفتاری به او برسد، به دعا‌های فراوان و مستمر روی می آورد [و بر طرف شدن آن را طلب می کند].»

و در سوره یونس از غفلت و بی خبری انسانهای کسم تحمل و ضعیف الایمان خبر می دهد و آنها را در مورد سودجویی و تداوم نیافتن ارتباط معنویشان با آفریدگار هستی به شدت نکوهش می کند و می فرماید: «وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ

فَائِمًا قَلَمًا كَشَفْنَا عَنْهُ صُرَّةَ مَرَّكَانٍ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضُرِّ مَسَّهُ كَذَلِكَ زُتِنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲ «هنگامی که به انسان [غافل و خود پرست] زیان و ناراحتی برسد، ما را [به طور مداوم و شبانه روزی] در حال خوابیده، نشسته و ایستاده صدا می کند [و برای حل گرفتاری اش دعا می کند] و زمانی که ناراحتی او را بر طرف سازیم، چنان [از ما فاصله می گیرد و می گذرد و] می رود که گویا اصلاً ما را برای رفع گرفتاری اش فرا نخوانده بود و این گونه است که اعمال بد اسرافکاران برایشان زینت داده شده است [و آنان از رفتار ناخوشایند خود خوشحال اند و زشتی عمل خود را نمی توانند بفهمند].»

به خط و خال گدایان مده خزانۀ دل
به دست شاه‌وشی ده که محترم دارد
نه هر درخت تحمل کند جفای خزان
غلام همت سرورم که این قدم دارد
ز جیب خرقۀ حافظ چه طرف بتوان بست
که ما صمد طلبیدیم و او صنم دارد
برید بن معاویه از امام باقر علیه السلام

۱. فصلت / ۵۱.

۲. یونس / ۱۲.

پروردگارتان دعا کنید؛ چرا که سلاح اهل ایمان دعاست.» یعنی مؤمن باید همواره در مقابل خطرات و گرفتاریها و دشمنان، مسلح به سلاح دعا باشد.

با توجه به نکات یاد شده، شایسته است که یک شخص مسلمان در هر زمان و مکان و در هر حالی از دعا کردن غافل نباشد؛ یعنی نه تنها در گرفتاریها، بلکه در حال خوشی و آسایش نیز باید دست به دعا بود.

دلا معاش چنان کن که گر بلغزد پای

فرشته‌ات به دو دست دعا نگه دارد
پیشوای ششم علیه السلام به نقل از جد
بزرگوارش فرمود: «همواره در دعا
کردن پیش قدم شوید؛ چرا که اگر
بنده‌ای نیایش پیشه باشد، و برایش
گرفتاری و سختی پیش آید و به درگاه
خداوند دعا کند، در آسمانها می‌گویند:
این صدا آشناست؛ ولی اگر فقط هنگام
سختی دعا کند، به او گفته می‌شود: تا
حالا کجا بودی؟»^۴

پرسید: آیا قرائت قرآن را بیشتر بخوانیم یا دعا به درگاه ربوبی را؟ امام فرمود: «كَثْرَةُ الدُّعَاءِ أَفْضَلُ ثُمَّ قَرَأْ أَوْلَى مَا يَتَّبِعُونَ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ؛^۱ زیاد دعا کردن بهتر است و این آیه را تلاوت کرد که: بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارم توجه و اعتناء به شما نمی‌کرد.»

امام صادق علیه السلام در توضیح سیره علی علیه السلام می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام رَجُلًا دُعَاءً؛^۲ امیر مؤمنان علیه السلام مردی بود که بسیار دعا می‌کرد.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «خداوند برای هر کسی توفیق دعا کردن بدهد، باب اجابت را نیز به رویش باز خواهد کرد. هر گاه باب دعا به رویتان باز بود، بسیار تلاش و فراوان دعا کنید؛ زیرا خداوند متعال از دعای فراوان شما خسته نمی‌شود و توجهش را از شما سلب نمی‌کند، مگر اینکه خودتان خسته شوید.»

آن حضرت در ضمن گفتار

راهگشایی به مسلمانان فرمود: «تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ؛^۳ شب و روز به درگاه

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۱.

۲. همان، ص ۲۶.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. همان، ص ۴۱.

دست تضرع چه سود بنده محتاج را

وقت دعا بر خدای، وقت کرم در بغل
تنها وقت گرفتاری دعا کردن،
چندان ارزشی ندارد و خداوند متعال
هم به آن وقعی نمی‌گذارد و می‌فرماید:
﴿فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ
الدِّينَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾^۱
«هنگامی که سوار بر کشتی شوند، خدا
را با اخلاص می‌خوانند؛ اما هنگامی که
خدا آنان را به خشکی رساند و نجات
دهد، باز به شرک و کفر می‌گیرند.»

رفع موانع

در موضوع دعا لازم است قبل از
ارتباط با آفریدگار هستی موانع
استجابت را بر طرف کرد. اگر فردی
بخواهد به همراه اعمال زشت و گناهان
فراوان به آستان حضرت قدس پناهنده
شود، بی‌گمان نتیجه‌ای نخواهد داشت
و دعای او بی‌بهره خواهد بود؛ زیرا
این، جمع بین زشتی و زیبایی و ظلمت
و نور است و جمع متضادین عقلاً
امری محال می‌باشد.

حضرت ابراهیم علیه السلام در مقابل
مشرکان این شرط دعا را مد نظر قرار
داده، می‌فرماید: ﴿وَأَعْتَرُكُمْ وَمَا تَدْعُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ
رَبِّي شَقِيًّا﴾^۲ «من از شما و از آنچه غیر از
خدا می‌خوانید، کناره‌گیری می‌کنم و به
پیشگاه پروردگارم دعا می‌کنم و
امیدوارم در خواندن پروردگارم
بی‌پاسخ نمانم.»

مرا غرض زدعا آن بود که پنهانی
حمديت درد فراق تو با تو بگزارم
و گرنه این چه دعایی بود که من بی تو

نشسته روی به محراب و دل به بازارم
در یک روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
آمده است: «هیچ مسلمانی نیست که به
درگاه خداوند دعا کند و از بارگاه
حضرت حق خواهش و تمنایی داشته
باشد - در حالی که قطع رحم نکرده و
در رفتارش گناهی مرتکب نشده باشد
- مگر اینکه خداوند یکی از سه عطیه
را در پاسخ دعای او عنایت خواهد
کرد: یا خواسته‌اش به زودی بر آورده
می‌شود، یا برای آینده‌اش ذخیره
می‌گردد و یا اینکه گرفتاری و حادثه
بدی از وی بر طرف می‌شود.»^۳

۱. عنکبوت / ۶۵.

۲. مریم / ۴۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۲۷.

آمزش کنید! سپس به سوی او توبه کنید تا [از مواهب عالیۀ خود] شمارا به خوبی بهره مند سازد.» و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مَنْ أَكْثَرَ مِنْ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَرَزَقَهُ مِنْ حَيْثُ لَنَا يَخْتَسِبُ»^۳ هر کس زیاد استغفار کند، خداوند برای او از هر اندوهی، گشایشی و از هر تنگنایی، راه خروجی قرار می دهد و روزی می دهد از آنجایی که گمان نمی برد.»

علامۀ مجلسی می نویسد: «مردی در میان بنی اسرائیل سی و سه سال تمام دعا می کرد که خداوند به او فرزندی کرامت کند؛ اما دعایش به اجابت نمی رسید تا اینکه به خداوند عرضه داشت:

پروردگارا! آیا من از تو دورم و صدای من به تو نمی رسد یا نزدیکم، اما دعای مرا مستجاب نمی کنی؟ در عالم رؤیا به او گفتند: تو خدا را می خوانی بازبانی فحاش و دلی دنیا

موانع استجابت دعا دایره وسیعی دارد که انسان باید به فراخور حالش آنها را رفع کند. دل به غیر خدا بستن، کوشش و تلاش نکردن، آلوده بودن به صفات زشت اخلاقی، مخالفت کردن با سنتهای الهی، عدم پرداخت حقوق دیگران، عدم شایستگی و نداشتن قابلیت، و نیمودن راههای طبیعی و قانونی، از جمله موانع استجابت دعاست که باید قبلاً رفع شود تا زمینه اجابت فراهم آید.

مولای متقیان علی علیه السلام در دعای کمیل بعد از ثناء الهی، رفع موانع دعا را از درگاه حضرت حق خواستار شده، می فرماید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَخِيسُ الدُّعَاءَ»^۱ پروردگارا! بر من ببخش گناہانی را که دعا را حبس می کند [و مانع اجابت آن می شود].»

برای رفع موانع دعا لازم است که انسان نیایشگر استغفار و توبه را قبل از برنامه نیایش خود قرار دهد. خداوند متعال بارها به این نکته تأکید کرده است. در سورۀ هود می فرماید: «وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا»^۲ «از پروردگارتان طلب

۱. مصباح الکفعمی، ص ۵۵۵.

۲. هود / ۳.

۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۷۷.

می دهند.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:
«برخی افراد هرگز دعایشان مستجاب
نخواهد شد.» و از جمله فرمود: «رَجُلٌ
جَالِسٌ فِي بَيْتِهِ يَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَبَالَ لَهُ أَلَمْ
أَمْرُكَ بِالطَّلَبِ؛^۳ مردی که در خانه اش
نشسته و مدام می گوید: خدایا! به من
روزی عطا کن! به او گفته می شود: آیا
تو را به طلب روزی فرمان نداده ام!»

امید به اجابت و مایوس نشدن

انسان نیایشگر باور عمیق دارد که
پناهگاه او قدرتی لایزال است که
سخن او را می شنود و از دل پر دردش
آگاه و به راه و روش نجات وی کاملاً
دانا و قادر است و در کلام نورانی خود
فرموده است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي
فَأِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ»؛^۴
«[ای رسول ما!] هرگاه بندگان من از تو
در مورد من سؤال کنند، بگو: من [به
آنان] نزدیکم و دعای دعاکننده را

دوست و ناپاک و نیتی دروغ و بدون
خلوص. اگر می خواهی دعایت به
اجابت برسد، فحش و ناسزاگفتن را
ترک کن و دل و نیت خود را برای خدا
پاک و خالص گردان! آن گاه دعاکن و به
انتظار اجابت باش! او چنین کرد و
خداوند متعال در پاسخ دعایش پسری
به او عنایت فرمود.»^۱

بنابراین، در آستان حضرت
دوست باید خود را از صفات زشت
پیراسته و به فضائل آراسته کرد تا بتوان
بهره ای برد و به مقصود رسید.

نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز در مورد
رفع موانع دعا فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ
يُسْتَجَابَ دُعَاؤُهُ فَلْيَطِيبْ مَطْعَمَهُ وَكَسْبَهُ»؛^۲ هر
کس دوست دارد که دعایش مستجاب
شود، باید محل غذا و درآمد خود را
حلال و پاکیزه کند.»

خداوند متعال انسانهای کسل و
تنبل را دوست ندارد و از افراد فعال و
خدمت و پرتلاش راضی است و آنان را
می ستاید. بنابراین، کسانی که بدون کار
و تلاش می خواهند به دعا متوسل
شوند و گره های زندگی شان را باز
کنند، کاری عبث و بیهوده انجام

۱. حیوة القلوب، علامه محمد باقر مجلسی،
انتشارات اسلامیة، ج ۱، ص ۴۸۴.
۲. عده الداعی، احمد بن فهد حلّی، موسسه
حکمت، قم، ص ۱۲۸.
۳. اصول کافی، باب من لا تُسْتَجاب دعوته، ح ۲.
۴. بقره / ۱۸۶.

هرگاه مرا بخواند، پاسخ می‌گویم.»
 و در جای دیگر، خداوند متعال
 بندگان را از یأس و ناامیدی بر حذر
 داشته و آن‌را مساوی با کفر دانسته،
 می‌فرماید: ﴿لَا تَيَأسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا
 يَأسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾^۱ «از
 رحمت [و الطاف] خداوند مأیوس
 نشوید که فقط کافران از رحمت خدا
 مأیوس می‌شوند.»

نیازهایش را از خداوند می‌طلبد، اما
 خداوند به فرشتگانش می‌فرماید:
 پاسخ او را به تأخیر اندازید؛ زیرا من
 صدای عاشقانه و دعای خالصانه‌اش را
 دوست دارم. در روز قیامت خداوند
 خطاب به این بنده‌اش می‌گوید: بنده
 من! مرا خواندی و من پاسخ تو را دیر
 دادم و امروز پاداش آن دعای تو
 این قدر است.»

امام باقر علیه السلام فرمود: «پدرم در دعا
 اصرار و پافشاری می‌کرد و آن قدر یا
 رب یا رب می‌گفت که نفسش بند
 می‌آمد و دوباره دعا را از سر
 می‌گرفت.»^۲

امام صادق علیه السلام در ادامه افزود: «آن
 بنده مؤمن وقتی عنایات بی‌کران الهی
 را ببیند، از ته دل آرزو می‌کند که‌ای
 کاش در دنیا دعاهایش مستجاب
 نمی‌شد و خواسته‌هایش برآورده
 نمی‌گردید!»^۳

طبق این اعتقاد و حیانی، دعایی که
 از دل دردمند مشتاق می‌تراود، بدون
 تردید مورد توجه حضرت باری تعالی
 قرار می‌گیرد و انسان دعا کننده هرگز
 نباید از نتیجه آن ناامید و مأیوس باشد
 و بر آورده نشدن حاجات هم نشانه
 بی‌اثر بودن دعا نیست، بلکه بهره‌های
 معنوی و مادی متعددی را برای فرد
 دعا کننده به ارمغان می‌آورد.

و امام باقر علیه السلام نیز بر اینکه در مقام
 دعا نباید مأیوس شد و باید آن قدر
 اصرار و الحاح کرد تا نتیجه گرفت،
 تأکید ورزیده، می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَا يُلَاحُظُ
 عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا

۱. یوسف / ۸۷

۲. بحار الانوار، علامه محمدباقر مجلسی،
 موسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ ق، ج ۹۰، ص
 ۲۳۵

۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۶۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «انسان
 مؤمن گاهی دعا می‌کند و رفع

عرشیان آثار و امواج اتصال روحی او را با مبدأ هستی در یابند، اما دعایش به اجابت نرسد، در آن حال فرشتگان آسمان به حال او گریسته، به خداوند عرضه می‌دارند: خدایا! پاسخ این نیایشگر نالان را که این همه اصرار دارد، چرا نمی‌دهی!

پس ملایک با خدا نالند زار

کای مجیب هر دعا، وی مستجار

بنده مؤمن تضرع می‌کند

او نمی‌داند بجز تو مستند^۴

تو عطا بیگانگان را می‌دهی

از تو دارد آرزو هر مشتبه^۵

حق بفرماید نه از خواری اوست

عین تأخیر عطا، یاری اوست

یعنی نیاز او به من، او را از غفلت

باز داشته و به محضر من کشانده است.

اگر من حاجتش را بر آورم، او از شوق

آن دوباره دچار غفلت می‌شود. اگر چه

او بادی شکسته و سینه‌ای خسته با

قَضَاهَا لَهٗ؛^۱ به خدا سوگند! هرگز بنده مؤمن در دعایش به درگاه خداوند بزرگ اصرار و پافشاری نمی‌کند، مگر اینکه خداوند خواسته‌اش را بر آورده می‌سازد.»

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «خداوند

رحمت کند آن بنده‌ای را که از خداوند

مستعال حاجت بسخواهد و در

خواسته‌اش اصرار و پافشاری کند؛ چه

دعایش مستجاب شود و چه مستجاب

نشود.» و آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد:

﴿وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي

شَقِيًّا﴾؛^۲ «پروردگارم را می‌خوانم و

امیدوارم که در خواندن پروردگارم

بی‌پاسخ و مأیوس نباشم.»^۳

گاهی می‌شود که خداوند ناله و

دعای بنده مؤمن خود را دوست دارد و

می‌خواهد صدایش را همچنان بشنود

و با او ارتباط داشته باشد. به همین

جهت، اصرار و الحاح و پافشاری در

دعا پسندیده و مفید است و از نظر

اولیاء الهی امری بسیار مطلوب شمرده

می‌شود. بنده پاکدل چه بسا در اثناء دعا

نال و تضرع می‌کند و چنانچه

اخلاصش بر قدسیان ثابت شود و

۱. عدة الداعی، ص ۲۰۲.

۲. مریم / ۴۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۵۸.

۴. پناهگاه.

۵. حاجت‌خواه.

خلوص تمام می‌نالد و دائماً خدا را پناهگاه خود خطاب می‌کند، اما بگذارید با همین حالت به تضرع و نیایش خود ادامه دهد که حالتی کمیاب است و من آن ناله‌ها و یا رب یا رب هایش را خوش می‌دارم.

گر بسر آرم حاجتش او وارود

هم در آن بازیچه مستغرق شود

گرچه می‌نالد به جان یا مستجار

دل شکسته، سینه خسته، گو: بزار

خوش همی آید سرا آواز او

و آن خدایا گفتن و آن راز او

بی‌مرادی مؤمنان از نیک و بد

تو یقین می‌دان که بهر این بود

پیشوای ششم علیه السلام در این باره

می‌فرماید: «بندۀ [مخلص] دعا می‌کند

و خداوند به دو فرشته فرمان می‌دهد

که دعایش را به اجابت رساندم، اما

حاجتش را به او ندهید؛ زیرا شنیدن

آواز روحانی او را خوش می‌دارم، و

بندۀ [غیر صالح] دعا می‌کند و خداوند

متعال به فرشتگان می‌فرماید: در بر

آوردن حاجتش عجله کنید که بانگ او

را خوش نمی‌دارم.»^۱

در اینجا مولوی برای توضیح

معنای حدیث مثال می‌زند که:

معمولاً مردم طوطی و بلبل را در

قفس می‌کنند و رها نمی‌سازند؛ چون

صدا و حرکات و رفتارشان را دوست

می‌دارند؛ اما آیا تا به حال کسی شنیده

است که زاغ و جغد و کلاغ را هم در

قفس نگه دارند؟

طوطیان و بلبلان را از پسند

از خوش آوازی قفس در می‌کنند

زاغ را و جغد را اندر قفس

کی‌کنند؟ این خود نیامد در قصص^۲

بر این اساس، خداوند متعال

اصرار و التماس بندگان صالح خود را

دوست دارد و می‌خواهد آنان به

واسطه نیازی که دارند بیشتر به

حضورش باز یابند و دعا کنند.

مولوی در داستان دیگری

می‌نویسد: شخصی همواره دعا می‌کرد

۱. «إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو قَبُولَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمَلَكَيْنِ قَبْدِ اسْتَجَابَتْ لَهُ وَلَكِنِ اخْبِسُوهُ بِحَاجَتِهِ فَإِنِّي أُجِبُّ أَنْ أَسْمَعَ صَوْتَهُ وَإِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو قَبُولَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَجَلُوا لَهُ حَاجَتَهُ فَإِنِّي أَسْفِضُ صَوْتَهُ.» (الكافي، ج ۲، ص ۴۸۹)

۲. شرح جامع مثنوی معنوی، کریم زمانی، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲ ش، دفتر ششم، ص ۱۰۹۲.

بالاترین لطف ما به تو همان جذبه و کشش به سوی حق است که در درگاه ما بمانی.

گفت آن الله تسولیک ماست
و آن نیاز و سوز و دردت پیک ماست
ترس و عشق تو، کمند لطف ماست

زیر هر یار ربّ تسولیک هاست
سپس حضرت خضر علیه السلام به او توضیح داد که خداوند به همه از این لطفها ندارد؛ فقط بندگان خاص خود را این گونه می نوازد؛ چنان که به فرعون حتی یکبار هم سر درد مسلط نکرد تا مبادا به درگاه الهی بنالد؛ چون خداوند صدای نحس او را که ادعای خدایی می کرد، خوش نداشت.

داد مر فرعون را صد ملک و مال
تا بکرد او دعوی عز و جلال
در همه عمرش ندید او درد سر
تا ننالد سوی حق آن بد گهر
داد او را جمله ملک این جهان

حق ندادش درد ورنج و اندهان^۱
درد آمد بهتر از ملک جهان
تا بخوانی مر خدا را در نهان^۲

و با ذکر نام الله دهانش را شیرین می ساخت. شیطان به صورت فردی ناصح به او گفت: این همه دعا و ذکر می کنی و نام الله بر زبان جاری می سازی، آیا تا به حال پاسخ نیز شنیده ای؟ حتی یک جواب از بارگاه الهی به تو نرسیده است. چرا این قدر سماجت و پرویی در برابر خداوند از خود نشان می دهی!

او نیز دلشکسته شد و راز و نیاز و نیایش خود را تعطیل کرد و دعای شبانه را به خواب تبدیل ساخت. در عالم خواب حضرت خضر علیه السلام را در یک بوستانی سبز دید. حضرت خضر علیه السلام به او گفت: فلانی! چرا از ذکر حق فرو مانده و از گذشته خود پشیمان شده ای؟ او پاسخ داد: من چون پاسخ و لیبکی از سوی حضرت حق در نیافتم، بیم آن دارم که از رانده شده گان درگاه الهی باشم.

گفت لیبکم نمی آید جواب
زان همی ترسم که باشم ردّ باب
حضرت خضر علیه السلام از سوی حق تعالی به او پیام داد که: آن همه الله گفتن و سوز و دردت، همان لیبیک ماست.

۱. غم و اندوه.

۲. شرح جامع مثنوی، دفتر سوم، ص ۷۰.

اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سخن را به پایان بردن.

۷. در اول و وسط و آخر دعا صلوات فرستادن که تأثیر فراوانی در اجابت دارد.

علی علیه السلام فرمود: هرگاه به درگاه حق نیازی داشتی، اول صلوات بر پیامبر و آلش بفرست! آن گاه خواسته‌ات را بسر زبان آور؛ زیرا خداوند متعال بزرگوارتر از آن است که از او دو چیز خواسته شود (درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و حاجت شخص) یکی را پذیرفته و دیگری را رد کند.^۲

۸. در یک جمع حداقل چهار نفره دعا کنند و اگر ممکن نشد، چهار نفر ده بار و اگر نشد، یک نفر چهار بار دعا کند.^۳

۹. آمین گفتن اطرافیان به دعای مؤمن. امام باقر علیه السلام وقتی برای حلّ مشکل و رفع گرفتاری دعا می‌کرد،

به همین خاطر است که در دعا باید اصرار و پافشاری کرد، مثل بچه‌ای که گریان و نالان پاهایش را به زمین می‌زند و از پدر و مادرش انجام خواسته‌هایش را طلب می‌کند.

رعایت آداب دعا

آنچه از آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام در مورد دعا معلوم می‌شود، این است که قبل از آغاز و انجام اظهار حاجت و نیایش، لازم است آدابی را مراعات نمود و به مطالب ذیل توجه کرد:

۱. هنگامی باشد که انسان رقت قلب و آمادگی روحی دارد.

۲. دعا در شب به ویژه شب جمعه و همچنین روز جمعه باشد.

۳. داشتن عمل صالح، در آمد حلال و پاکیزه، انجام صلوة رحم، نیکی

به دیگران و خسته نشدن از دعا.

۴. به فرموده امام صادق علیه السلام:

«هرکس قبل از دعا ده بار «یا الله» بگوید، خداوند می‌فرماید: لبیک! چه می‌خواهی؟»^۱

۵. ۷ بار «یا ارحم الراحمین» و ده

بار «یا رب» گفتن قبل از دعا.

۶. بعد از اتمام دعا با جمله «ما شاء»

۱. مکارم الاخلاق، رضی الدین حسن طبرسی، نشر شریف رضی، قم، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۸۶.
 ۲. الدعوات، قطب الدین راوندی، مدرسه امام مهدی (عج)، قم، ۱۴۰۷ ق، ص ۲۲.
 ۳. عدة الداعی، ص ۱۵۷.

بیشتر مورد توجه درگاه احدیت قرار می‌گیرد: دعای پیشوای عادل، دعای مظلوم، دعای فرزند صالح برای والدین خود، دعای پدر و مادر صالح برای فرزند و بر علیه فرزند، دعای مؤمن در غیاب برادر مؤمن،^۳ دعای زائر خانه خدا، دعای مجاهد در راه حق و دعای مریض.

۱۷. کسی که چهل نفر مؤمن را قبل از دعای خود، دعا کند، خواسته‌اش رد نخواهد شد.

۱۸. با نامهای نیک خداوند، او را صدا بزنند که خود فرمود: «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا»؛^۴ «برای خداوند نامهای زیبایی است که با آن اسماء او را صدا بزنید!»

۱۹. می‌توان در حق کسی که اهل ایمان را می‌آزارد، نفرین کرد. در این مورد، یونس بن عمار داستانی دارد؛ او می‌گوید: «من به حضرت صادق علیه السلام از دست همسایه‌ای که با زبان و رفتارش

زنان و فرزندان را دعوت می‌کرد و آنان به دعای حضرت آمین می‌گفتند.^۱

۱۰. کف دستها را به سوی آسمان باز کردن و همانند مسکین و سائل تضرع نمودن. ابن فهد حلی می‌گوید: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام تضرع و نیایش کف دستها را به سوی آسمان بلند می‌کرد و همانند سائلی که غذا می‌خواهد، دعا می‌کرد.»^۲

۱۱. بعد از اتمام دعا دستها را به سر و صورت و سینه کشیدن.

۱۲. اکتفا نکردن به دعا برای خود و شریک ساختن تمام حاضرین.

۱۳. در غیاب برادران مؤمن دعا کردن و متقابلاً نیز از آنان التماس دعا نمودن.

۱۴. اگر شخصی برای برادر مؤمن خود دعا کند، ملائکه بر دعای او آمین می‌گویند و از سوی خداوند به او مژده می‌دهند که دو برابر آنچه مسئلت کردی، بر تو باد!

۱۵. تمام مردان و زنان مؤمن را دعا کردن و سعادت زنان و مردان مسلمان را از خدا خواستن.

۱۶. دعای هشت گروه از همه

۱. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۱۰۵.

۲. همان، ص ۴۶.

۳. همان، ص ۱۱۶ و ۱۲۸.

۴. اعراف / ۱۸۰.

خداوند برای هر کسی توفیق دعا کردن بدهد، باب اجابت را نیز به رویش باز خواهد کرد. هر گاه باب دعا به رویتان باز بود، بسیار تلاش و فراوان دعا کنید

می ریزد، در نماز و ثمر و بعد از
سپیده دم.^۲

۲۱. شمردن یکایک خواسته‌ها در
دعا، مورد رضایت الهی است. امام
صادق علیه السلام فرمود: «خداوند تمام
خواسته‌های بنده‌اش را می‌داند؛ اما
دوست دارد که او نیازهایش را یکایک
بشمارد. پس هرگاه دعا کردی
خواسته‌ات را نام ببر!»^۳

مرا می‌آزرد و آبرو و حیثیت مرا از میان
می‌برد و جانم را به لبم رسانده بود،
شکایت کردم. امام فرمود: در آخرین
سجده رکعت دوم نماز شب او را
نفرین کن و دعا کن تا خدا شرش را از
سر تو کم کند.

قبل از دعا، حمد و ثناء الهی به
جای آور و بگو: خدایا! فلانی مرا شهره
مردم کرده و اسرارم را فاش نموده و
مرا به شدت ناراحت کرده و در
معرض انواع خطرها و تهدیدها قرار
داده. خداوندا! او را با تیر غیبی به این
زودی ادب کن و شرش را از من کوتاه
گردان!

من طبق رهنمود حضرت بر علیه
او دعا کردم و در کوتاه‌ترین زمان از شر
او راحت شدم.^۱

۲۰. دعا در این زمانها به اجابت
نزدیک است: هنگام قرائت قرآن،
وقت اذان، در هنگام نزول باران، وقتی
که دو صف از لشکر حق و باطل مقابل
هم ایستاده‌اند، وقت رقت دل و حال
روحانی داشتن، هنگام سحر، وقت
وزیدن باده‌ها، هنگامی که اولین قطره
خون مؤمن در هنگام شهادت به زمین

۱. الکافی، باب الدعاء علی العدو، ح ۳.
۲. همان، باب الاوقات التي ترجی فیها الاجابة.
برای اطلاعات تفصیلی در مورد آداب دعا به
کتابهای الکافی و وسائل الشیعة، باب دعا رجوع
شود.

۳. وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۳۳.